

Identifying the Factors of Women's Empowerment Factors with the Approach of Sustainable Political Development in Iran Using Thematic Analysis Method

Jalali Z¹, *Etebarian A², Shahtalebi B³, Ebrahimzadeh R⁴

Author Address

1. PhD Student in Management (Application and Development), Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran;

2. Professor of the Department of Management, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran;

3. Associate Professor, Department of Educational Sciences, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran;

4. Assistant Professor, Department of Management, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran.

*Corresponding Author E-mail: Etebarian.khousf@gmail.com

Received: 2024 July 21; Accepted: 2024 August 9

Abstract

Background & Objectives: One of the issues raised in the field of development is human development and empowerment, especially concerning women. Empowering women as one of the critical factors in achieving development is among the priorities of researchers in the development field and has become one of the key topics in both development and economics. Women play an essential role in the victories and revolutions. Still, despite their abilities, their capabilities at the scientific, cultural, social, political, management, and decision-making levels have not been explored. The reality is that Iranian society lacks a fundamental, comprehensive view and pattern regarding the promotion of women's rights and political status in today's society. Formulating basic, comprehensive patterns of attitude and principles is necessary to create favorable political and social conditions and promote women's rights and political positions. Therefore, the research was conducted to identify factors empowering women with a sustainable political development approach in Iran.

Methods: Current research, from a paradigmatic perspective, is explanatory. The research was carried out qualitatively. The study was based on the data collection method, the research methodology used, and the analysis of the subjects, which was carried out based on the views of Etherum Sterling and Brian Clarke in six steps. Participants were selected from topical (educational and experienced) reporters, academics, and women's sector activists in a targeted manner. The data collection continued through a semi-structured interview with 8 topical experts and 11 academics from the university until the theoretical saturation of the 19th interview. The interviews typically lasted between 40 and 120 minutes and consisted of eight general and subsequent questions. The holistic metric was used to calculate the quantitative data using the Guba and Lincoln method and to measure the finality of coding. In data analysis, based on the thematic analysis method, these steps were followed: a detailed study of the interview texts, extraction of basic codes, analysis of basic themes, drawing a network of themes, analysis of the network, and preparation of the final report extracted from the analysis.

Results: Based on the analysis method, we carried out a thorough study of the interview text, extracted the basic themes, analyzed and networked them, and finally reported them. The analysis of information resulted in the extraction of 144 basic codes, 35 subthemes, and 13 broad themes. So, the factors that empowered women in the approach to sustainable political development in Iran were identified. These extracted factors include empowerment through cultural reforms, empowerment through social reforms, empowerment through political reform, empowerment through business reforms and regulations, balance between maternal and social roles, female psychological empathy, the emergence of a balanced and coherent society, empowerment through education, economic empowerment, enhancement of women's social dignity, physical and spiritual empowerment of women, and empowerment based on religious teachings.

Conclusion: Results showed that formal and informal education reform is essential to empowering women. Furthermore, it is necessary to make religious teachings more equal for men and women and to balance cultural reforms and the political environment. The results of this research can be used as a basis for formulating effective development and policy plans for women's empowerment and play an essential role in evaluating the impact of public policies and programs on women's empowerment.

Keywords: Empowerment, Empowerment of women, Political development, Sustainable development, Sustainable political development.

شناسایی عوامل توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار در ایران با روش تحلیل مضمون

زهرا جلالی^۱، *اکبر اعتباریان خوراسگانی^۲، بدری شاه‌طالبی^۳، رضا ابراهیم‌زاده دستجردی^۴

توضیحات نویسندگان

۱. دانشجوی دکتری مدیریت (تطبیق و توسعه)، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران؛

۲. استاد گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران؛

۳. دانشیار گروه تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران؛

۴. استادیار گروه مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

*ارایانه نویسنده مسئول: Deitebarian.khuis@gmail.com

تاریخ دریافت: ۳۱ تیر ۱۴۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۹ مرداد ۱۴۰۳

چکیده

زمینه و هدف: توانمندسازی زنان به‌عنوان یکی از نیروهای اصلی در دستیابی به توسعه، تبدیل به یکی از موضوعات مهم در دو زمینه توسعه و اقتصاد شده است. هدف پژوهش حاضر، شناسایی عوامل توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار در ایران با روش تحلیل مضمون بود.

روش بررسی: پژوهش حاضر تفسیری بود و به روش کیفی اجرا شد. گردآوری داده‌ها میدانی و راهبرد پژوهش تحلیل مضمون بود که در شش گام انجام گرفت. داده‌ها با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با نوزده نفر از خبرگان موضوعی و دانشگاهی جمع‌آوری شد. انتخاب مشارکت‌کنندگان به شکل هدفمند معیارمحور صورت گرفت. برای روایی داده‌های کیفی از روش گوبا و لینکلن و برای سنجش پایایی کدگذاری‌ها، از ضریب هولستی استفاده شد.

یافته‌ها: تجزیه و تحلیل اطلاعات به روش تحلیل مضمون، منجر به استخراج ۱۴۴ مضمون پایه و ۳۵ مضمون سازمان‌دهنده و سیزده مضمون فراگیر شد و شناسایی عوامل توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار در ایران صورت گرفت. عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان عبارت بود از: توانمندسازی از طریق اصلاحات فرهنگی؛ توانمندسازی از طریق اصلاحات اجتماعی؛ توانمندسازی از طریق اصلاحات سیاسی؛ توانمندسازی از طریق اصلاحات کسب‌وکار؛ توانمندسازی از طریق قوانین و مقررات؛ توازن بین نقش‌های مادری و نقش‌های اجتماعی؛ توانمندسازی روان‌شناختی زنان؛ ظهور جامعه متوازن و منسجم؛ توانمندسازی از طریق آموزش؛ توانمندسازی اقتصادی؛ تقویت عزت‌نفس اجتماعی زنان؛ توانمندسازی جسمی و روحی زنان؛ توانمندسازی مبتنی بر آموزه‌های دینی.

نتیجه‌گیری: نتایج تحقیق نشان داد، توانمندسازی زنان با تغییرات در باورها و سنت‌ها و رفتارهای فرهنگی است که از طریق آموزش و نهادینه‌سازی آموزه‌های دینی حمایتگر، محقق می‌شود. این تحول در نظام‌های آموزشی رسمی و غیررسمی برای توانمندسازی زنان ضرورت دارد. لازم است آموزه‌های ناب دینی برای مردان و زنان برابر و پررنگ‌تر شود تا اصلاحات فرهنگی گسترده‌تری اتفاق بیفتد و محیط سیاسی نیز متعادل شود.

کلیدواژه‌ها: توانمندسازی، توانمندسازی زنان، توسعه سیاسی، توسعه پایدار، توسعه سیاسی پایدار.

تحقیق ضیائی مشخص کرد، دو برنامه توسعه اجتماعی و اقتصادی در افغانستان، با ایجاد شوراهای انتخابی جامعه‌محور و تقویت مشارکت زنان، به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جوامع روستایی افغانستان کمک کرده است (۶). تحقیق کویسمیگ و همکاران در نه کشور آفریقایی نشان داد، بین توانمندسازی زنان و انقلاب‌های سیاسی ایجادشده در شش کشور آفریقایی رابطه معناداری وجود دارد (۷). ابطیحی دریافت، شرکت زنان در فرایندهای سیاسی منجر به تقویت ساختار تصمیم‌گیری ملی و تقویت دموکراسی و بهبود حکمرانی می‌شود. حضور زنان در زمینه‌های سیاسی می‌تواند به تعادل قدرت و استحکام سیاسی و حکمرانی مؤثر کمک کند (۸). ساری و همکاران بیان کردند، توانمندسازی اقتصادی سبب افزایش اختیارات زنان، دسترسی به برنامه‌های رسمی دولت، فعالیت خارج از خانه، استقلال اقتصادی و قدرت خرید می‌شود. استقلال اقتصادی زنان به برابری جنسیتی کمک می‌کند و عزت‌نفس زنان را افزایش می‌دهد و توانمندسازی روان‌شناختی زنان و در نتیجه مشارکت پایدار و معنادار آن‌ها در حوزه سیاسی را در پی دارد (۹). خلیلی، سلامت جسمی و بهداشتی زنان، امنیت فیزیکی آنان و دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی را تحت عنوان توانمندسازی جسمی قرار داد و آن را یکی از زیرموضوع‌های توانمندسازی زنان معرفی کرد (۱۰). جمع‌بندی مطالب مذکور مشخص می‌کند، براساس بررسی‌های انجام‌شده، مطالعه در موضوع شناسایی عوامل توانمندسازی زنان ضروری و مهم است؛ زیرا توانمندسازی زنان در عرصه سیاسی موجب توسعه سیاسی پایدار در ایران می‌شود. اهمیت و ضرورت پژوهش حاضر از سه منظر هدف توصیف و تبیین قرار گرفت: از منظر اول به واسطه توجه صورت‌گرفته در ادبیات بر موضوع توانمندسازی زنان در عرصه سیاسی؛ از منظر دوم به لحاظ خلأ تحقیق در موضوع تحقیق حاضر؛ از منظر سوم از جنبه منافع تحقیق برای جامعه مطالعه‌شده (ایران).

جمع‌بندی مطالب مذکور نشان می‌دهد، مشارکت سیاسی زنان، یکی از مسائل بسیار مهم در دنیای امروز به‌شمار می‌رود و در ارتباط با این مسئله توانمندسازی زنان، از نظر پژوهشگران و سازمان ملل و برخی از دولت‌ها، از جمله ضرورت‌های تحقق این هدف است. پژوهش حاضر با تمرکز بر توانمندسازی زنان در عرصه سیاسی و جهت‌گیری به سمت توسعه سیاسی پایدار، به دنبال پرکردن این شکاف بود. همچنین این پژوهش با بررسی عوامل مؤثر بر مشارکت سیاسی زنان، تغییر نظام ارزش‌ها و نگرش جامعه درباره مشارکت زنان، شناسایی چالش‌های اصلی در دستیابی زنان به مناصب مدیریتی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی و تدوین الگوهای توانمندسازی با رویکرد توسعه سیاسی پایدار، جنبه‌های نوآورانه‌ای داشت. این مطالعه باهدف ارتقای آگاهی، مهارت‌ها، اعتمادبه‌نفس و دسترسی به فرصت‌های مساوی برای شرکت زنان در فعالیت‌های سیاسی انجام شد و به دنبال افزایش حضور و تأثیر زنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و دستیابی به مناصب قدرت و ارتقای جایگاه زنان در ساختارهای سیاسی بود.

تقویت نقش زنان در صحنه سیاسی به‌عنوان مسئله‌ای جهانی توجه ویژه‌ای در جوامع جهانی و پژوهشگران داشته است. این موضوع اهمیت درخورتوجهی در حوزه تحولات سیاسی و اجتماعی جهانی دارد و هدف بررسی و بحث قرار گرفته است. فعالیت‌های سازمان ملل متحد در زمینه تقویت زنان برای دستیابی به توسعه سیاسی پایدار نشان داد، این موضوع مسئله‌ای جهانی است. همچنین آریانا و همکاران جنبه جهانی این مسئله را برجسته و بیان کردند که حضور زنان در ابعاد مختلف سیاسی به‌منزله پیش‌نیازی برای توسعه سیاسی در نظر گرفته می‌شود؛ بنابراین، تقریباً تمام کشورها بر استفاده از زنان در امور سیاسی برای دستیابی به اهداف توسعه تأکید دارند (۱). علاوه بر این، بهره‌برداری از منابع انسانی در جهت توانمندسازی^۱، نیازمند آموزش و پیشرفت زنان در جنبه‌های سیاسی است. طبق گزارش سازمان ملل، توانایی و توسعه پایدار شامل جنبه‌های اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی می‌شود که در تمام جوامع جهان، کاربردی و مشهود است؛ زیرا هنوز هیچ کشوری در جهان قادر به دستیابی به تقویت جامع و توسعه پایدار^۲ در همه ابعاد نشده است (به نقل از ۲).

بررسی وضعیت توانمندسازی زنان در ایران و سایر کشورهای خاورمیانه کمک می‌کند درک بهتری از وضعیت فعلی و چالش‌های موجود به دست آید. در کشورهای خاورمیانه، شرایط توانمندسازی زنان و نقش آن‌ها در امور سیاسی متفاوت است. برخی کشورها اقدامات قوی برای افزایش مشارکت^۳ سیاسی زنان انجام داده‌اند و زنان در سطوح مختلف سیاسی شغل دارند؛ برای مثال در برخی کشورها، زنان به‌عنوان اعضای مجلس و وزیران دولت شرکت می‌کنند و در فرایندهای سیاسی مشغول هستند؛ با این حال در کشورهای دیگر، مشارکت زنان همچنان محدود است و تنها چند زن در عرصه سیاسی حضور دارند. وضع توانمندسازی زنان در ایران تحت‌تأثیر عوامل فرهنگی و اجتماعی و سیاسی قرار دارد. متأسفانه، زنان ایرانی در طول سال‌ها با چالش‌ها و محدودیت‌هایی روبه‌رو بوده‌اند که باعث محدود شدن شرکت آزاد و بدون محدودیت آن‌ها در فرایندهای سیاسی شده است. محدودیت‌های قانونی، موانع فرهنگی، رفتارهای تبعیض جنسیتی و عوامل اقتصادی موانعی برای توسعه مشارکت سیاسی زنان در ایران است (۳). در این زمینه صدیقی و عامری نشان دادند، در ایران، کاهش مشارکت سیاسی زنان به دلیل موانع فزاینده از قوانین و سیاست‌ها است. این تحقیقات می‌تواند برای شناسایی و روشن‌کردن عوامل مؤثر بر توانمندسازی سیاسی زنان در چارچوب توسعه سیاسی پایدار مؤثر باشد (۴). زنان در ایران، با وجود نقش فعال در انقلاب اسلامی، در ساختار قدرت سیاسی به نقش کافی دسترسی ندارند. توانمندسازی زنان در عرصه سیاسی به‌منزله مسئله‌ای جهانی مدنظر قرار گرفته است و به تدوین الگوهای بنیادین برای ارتقای حقوق و جایگاه سیاسی زنان نیاز دارد؛ بنابراین، مسئله اصلی پژوهش حاضر، شناسایی عوامل توانمندسازی زنان با تمرکز بر توسعه سیاسی پایدار^۵ بود (۵).

4. Participation of women

5. Sustainable political development

1. Empowerment

2. Sustainable development

3. participation

۲ روش بررسی

این نوع از انتخاب به این مفهوم بازمی‌گردد که نمونه‌های انتخاب شده میزان اطلاعات بیشتری را براساس سؤال پژوهش فراهم می‌آورند (۱۱). درکل نوزده نفر به‌عنوان مشارکت‌کننده در تحقیق حاضر انتخاب شدند. برای ارزیابی دقت علمی (روایی داده‌های کیفی یا قابلیت اعتماد) در پژوهش، چهار معیار کلی قابلیت اعتبار، قابلیت انتقال، قابلیت اتکا و تأییدپذیری، از نظر گوبا و لینکلن (۱۲) به‌کار رفت. برای سنجش پایایی کدگذاری‌ها با استفاده از ضریب هولستی، یکی از مصاحبه‌ها توسط محقق و یک نفر از خبرگان کدگذاری شد. سپس تعداد و مشترکات کدها، طبق فرمول هولستی محاسبه شد و عدد ۰/۷۲ به‌دست آمد که نشان داد پایایی کدگذاری‌ها در حد نسبتاً مطلوب است. در تحلیل داده‌ها، براساس روش تحلیل مضمون، این مراحل دنبال شد: مطالعه دقیق متون مصاحبه؛ استخراج مضامین پایه؛ تجزیه و تحلیل مضامین پایه؛ ترسیم شبکه مضامین؛ تحلیل شبکه مضامین؛ تهیه گزارش نهایی استخراج شده از تحلیل.

۳ یافته‌ها

در این قسمت مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان (خبرگان) پژوهش از قبیل جنسیت و شغل و تحصیلات آورده شده است.

لایه فلسفی پژوهش، نشان‌دهنده جهان‌بینی و نوع نگاه پژوهشگر به جهان و پایه و اساس این پژوهش براساس پارادایم، تفسیری بود. در پژوهش حاضر داده‌ها گردآوری شد و یک نظریه براساس تجزیه و تحلیل داده‌ها توسعه یافت؛ از این رو رویکرد پژوهش، استقرایی بود و پژوهش به روش کیفی انجام شد. این مطالعه از نظر روش گردآوری داده‌ها میدانی و راهبرد پژوهشی استفاده شده تحلیل مضمون بود. تحلیل مضمون شیوه‌ای در روش پژوهش کیفی است که بر شناسایی و تحلیل و تفسیر الگوی معانی داده‌های کیفی تمرکز دارد. در این روش، پژوهشگر به جمع‌آوری داده‌های کیفی، به منظور شناسایی مضامین، با توجه به موضوع پژوهش می‌پردازد. نتایج این پژوهش، دستیابی به شبکه مضامین و شناسایی عوامل توانمندسازی زنان در توسعه سیاسی پایدار بود. گردآوری داده‌ها، با ابزار مصاحبه نیمه‌ساختاریافته انجام شد و مدت زمان هر مصاحبه، بین ۴۰ تا ۱۲۰ دقیقه به طول انجامید. مصاحبه با هشت سؤال کلی شروع و در ذیل هر سؤال، سؤالات تکمیلی مطرح شد. در این بخش از مطالعه، مصاحبه‌شوندگان از بین خبرگان موضوعی (دانش و تجربه)، از بین اساتید دانشگاه و فعالان حوزه زنان، به شیوه هدفمند معیارمحور انتخاب شدند. منطق و قدرت

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی مشارکت‌کنندگان

ردیف	کد	جنسیت	شغل	تحصیلات	جغرافیای خدمت
۱	A	زن	هیئت علمی دانشگاه	دکترای جامعه‌شناسی	تهران
۲	B	زن	هیئت علمی دانشگاه	دکترای جامعه‌شناسی	اصفهان
۳	C	زن	هیئت علمی دانشگاه	دکترای جامعه‌شناسی	اصفهان
۴	D	زن	کارشناس تحول	دکترای جامعه‌شناسی	یزد
۵	E	زن	کارشناس اداری	دکترای مدیریت	خوزستان
۶	F	زن	هیئت علمی دانشگاه	دکترای مدیریت	همدان
۷	G	زن	هیئت علمی دانشگاه	دکترای مدیریت	کرمانشاه
۸	H	مرد	هیئت علمی دانشگاه	دکترای علوم سیاسی	مازندران
۹	I	مرد	هیئت علمی دانشگاه	دکترای مدیریت	گیلان
۱۰	J	مرد	هیئت علمی دانشگاه	دکترای مدیریت	بوشهر
۱۱	K	زن	هیئت علمی دانشگاه	مطالعات زنان	تهران
۱۲	L	زن	هیئت علمی دانشگاه	دکترای مدیریت	مشهد
۱۳	M	زن	کارشناس توسعه و تحول	کارشناسی ارشد مطالعات زنان	شیراز
۱۴	N	زن	کارشناس استخدام	کارشناسی ارشد مطالعات زنان	شیراز
۱۵	O	زن	روزنامه‌نگار	دکترای جامعه‌شناسی	شهرکرد
۱۶	P	زن	روزنامه‌نگار	دکترای جامعه‌شناسی	مرکزی
۱۷	Q	زن	هیئت علمی دانشگاه	دکترای مدیریت	قزوین
۱۸	S	زن	کارشناس آموزش	دکترای مدیریت	هرمزگان
۱۹	R	مرد	کارشناس فناوری	دکترای مدیریت	خرم‌آباد

گام دوم، استخراج مضامین پایه: این مرحله زمانی آغاز شد که پژوهشگر، داده‌ها را مطالعه کرد و با آن‌ها آشنا شد. با تحلیل محتوای متون مصاحبه، شناسایی مضامین پایه صورت گرفت. گام سوم، تجزیه و تحلیل مضامین پایه: گام سوم، وقتی شروع شد که

مراحل تحلیل مضمون براساس نظر آترید- استرلینگ انجام شد (۱۳). گام اول، مطالعه دقیق متون مصاحبه: ابتدا، متون مصاحبه‌ها به دقت مطالعه شد و با مضامین پایه و معنای موجود در داده‌ها، آشنایی صورت گرفت.

کدگذاری اولیه و گردآوری تمامی داده‌ها صورت گرفت و فهرستی طولانی از کدهای مختلف در مجموعه داده‌ها، شناخته شد. در این پژوهش مضامین پایه به‌طور دقیق تحلیل شد و شناسایی عوامل مشترک و موضوعات فرعی انجام پذیرفت. این مرحله شامل ترکیب و تدوین مضامین مشابه و حذف مضامین تکراری بود (۱۳).
گام چهارم، ترسیم شبکه مضامین: گام چهارم وقتی شروع شد که پژوهشگر، مجموعه‌ای از مضامین را پیشنهاد کرد و خواست آن‌ها را

پالایش کند. مضامین شناخته‌شده، منبع اصلی تشکیل شبکه‌های مضامین بود.
گام پنجم، تحلیل شبکه مضامین: گام پنجم، وقتی شروع شد که پژوهشگر به شبکه مضامین رضایت‌بخشی رسید. در این حالت توانست مضامین پیشنهادشده برای تحلیل داده‌ها را تعریف و تعدیل داده‌ها را براساس آن‌ها تحلیل کند. در این گام، شبکه مضامین رسم‌شده، بررسی و تجزیه و تحلیل شد.

جدول ۲. نحوه شکل‌گیری مضامین فراگیر

مضامین سازمان‌دهنده	مضامین فراگیر
<ul style="list-style-type: none"> - اصلاح نگرش‌ها و باورهای جنسیتی - خشونت‌زدایی علیه زنان از فرهنگ 	توانمندسازی از طریق اصلاحات فرهنگی
<ul style="list-style-type: none"> - اصلاحات اجتماعی باهدف برابری جنسیتی - جنسیت‌زدایی از فرایندهای جامعه‌پذیری - فراهم‌شدن بسترهای شکل‌گیری تشکلهای و نهادهای مدنی زنان 	توانمندسازی از طریق اصلاحات اجتماعی
<ul style="list-style-type: none"> - اصلاحات سیاسی باهدف برابری - واقعی‌سازی مشارکت اجتماعی سیاسی زنان - تقویت کنشگری سیاسی زنان - حکمرانی خوب 	توانمندسازی از طریق اصلاحات سیاسی
<ul style="list-style-type: none"> - شکستن تابوهای جنسیتی در اشتغال زنان - تغییر نگاه جنسیت‌محور به شایستگی - شکستن سقف شیشه‌ای برای زنان 	توانمندسازی از طریق اصلاحات کسب‌وکار
<ul style="list-style-type: none"> - اصلاح قوانین و مقررات باهدف قدرت‌دهی به زنان - تدوین قوانین حمایتگر 	توانمندسازی از طریق قوانین و مقررات
<ul style="list-style-type: none"> - توانمندسازی مادرمحور زنان - پیونددهی نقش مادرانه به نقش‌های اجتماعی 	توازن بین نقش‌های مادری و نقش‌های اجتماعی
<ul style="list-style-type: none"> - رهاسازی زنان از وضعیت درماندگی آموخته‌شده - رهاسازی زنان از دام خویش‌ستیزی یا خودزنی - توقف بازتولید ساختار مردسالارانه توسط زنان 	توانمندسازی روان‌شناختی زنان
<ul style="list-style-type: none"> - ظهور جامعه متوازن و متعادل - بهبود آرامش روانی جامعه - تقویت انسجام اجتماعی زنان - افزایش سرمایه اجتماعی - نقش‌آفرینی اجتماعی فراگیر زنان 	ظهور جامعه متوازن و منسجم
<ul style="list-style-type: none"> - تقویت آموزش‌های مدرسه‌محور - آگاهی‌بخشی نسبت به جایگاه اجتماعی زنان - تقویت آموزش‌های خانواده‌محور 	توانمندسازی از طریق آموزش
<ul style="list-style-type: none"> - حمایت‌های اقتصادی (حمایت از کارآفرینی زنان) - توان‌افزایی اقتصادی - مالی زنان کارآفرین 	توانمندسازی اقتصادی
<ul style="list-style-type: none"> - صدادهی رسانه‌ای به زنان - کمک به خودشکوفایی زنان 	تقویت عزت‌نفس اجتماعی زنان
<ul style="list-style-type: none"> - توسعه و رفع موانع تربیت‌بدنی زنان - افزایش زیرساخت‌های بهداشتی و درمان 	توانمندسازی جسمی و روحی زنان
<ul style="list-style-type: none"> - تقویت فضای دینی مقاوم به کنشگری زنان - استفاده از ظرفیت‌های دین 	توانمندسازی مبتنی بر آموزه‌های دینی

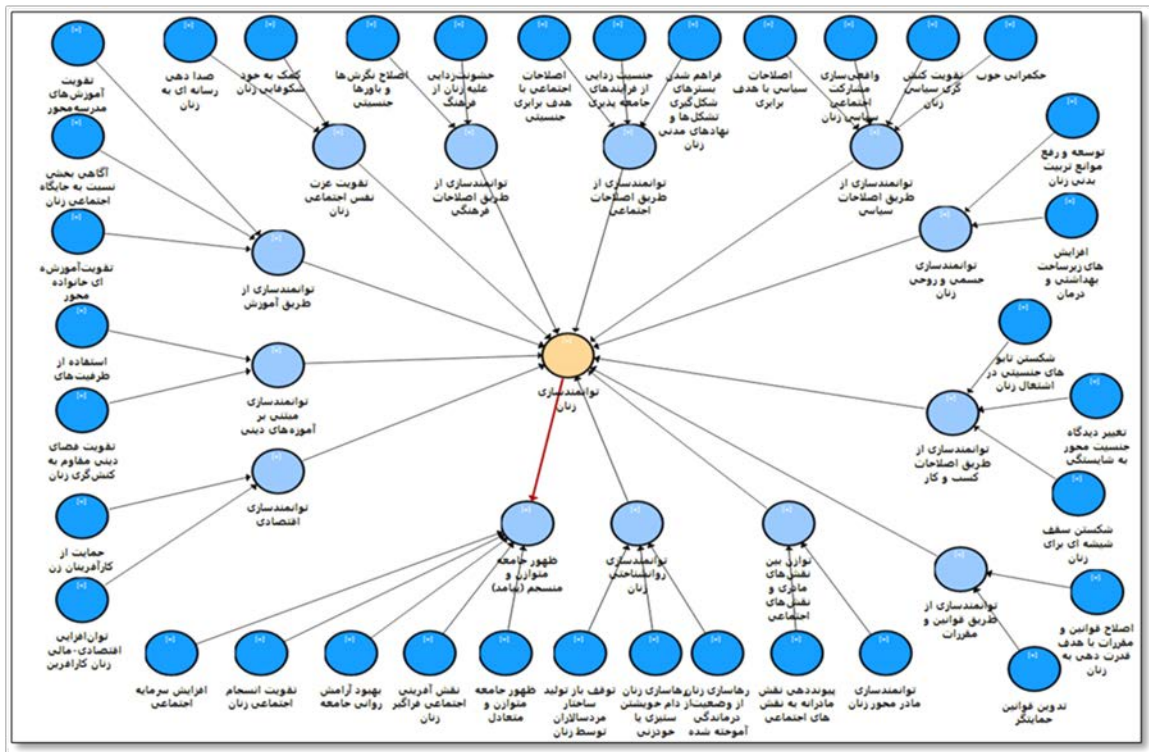
گام ششم، تدوین گزارش: گام ششم، وقتی آغاز شد که مجموعه کاملی از مضامین نهایی، فراهم شد. در این مرحله، تحلیل و تدوین گزارش

نهایی تحقیق، صورت گرفت (۱۳). در این پژوهش پس از پیاده‌سازی متون مصاحبه‌ها، در مرحله کدگذاری به دنبال شناسایی مفاهیم و حذف

بدین شرح بود: توانمندسازی از طریق اصلاحات فرهنگی؛ توانمندسازی از طریق اصلاحات اجتماعی؛ توانمندسازی از طریق اصلاحات سیاسی؛ توانمندسازی از طریق اصلاحات کسب و کار؛ توانمندسازی از طریق قوانین و مقررات؛ توازن بین نقش‌های مادری و نقش‌های اجتماعی؛ توانمندسازی روان‌شناختی زنان؛ ظهور جامعه متوازن و منسجم؛ توانمندسازی از طریق آموزش؛ توانمندسازی اقتصادی؛ تقویت عزت نفس اجتماعی زنان؛ توانمندسازی جسمی و روحی زنان؛ توانمندسازی مبتنی بر آموزه‌های دینی. در شکل ۱ شبکه مضامین استخراج شده از روش تحلیل مضمون نشان داده شده است.

موارد تکراری و هم‌پوشان، ۱۴۴ کد مفهومی استخراج (مضامین پایه) شد. سپس با کنارهم قراردادن مفاهیم مشابه و طبقه‌بندی آن‌ها در ۳۵ مضمون سازمان‌دهنده، دسته‌بندی شد و در سیزده مضمون فراگیر جای گرفت و شناسایی عوامل توانمندسازی زنان در توسعه سیاسی پایدار در ایران، انجام پذیرفت. در زیر نحوه شکل‌گیری مضامین فراگیر به شرح جدول ۲ ارائه شده است.

استخراج مضمون‌های سازمان‌دهنده و فراگیر در نتیجه انجام تحلیل کیفی به روش تحلیل مضمون و نتایج نهایی به دست آمده از مضامین فراگیر، عوامل مؤثر بر توانمندسازی زنان



شکل ۱. شبکه مضامین استخراج شده از تحلیل مضمون

و طبقه‌بندی آن‌ها در ۳۵ مضمون سازمان‌دهنده، دسته‌بندی انجام پذیرفت و در سیزده مضمون فراگیر جای گرفت و مدل توانمندسازی زنان در توسعه سیاسی پایدار در ایران تدوین شد. در اینجا به بررسی و تحلیل تمامی ابعاد به دست آمده پرداخته می‌شود.

۱. توانمندسازی از طریق اصلاحات فرهنگی

تفسیر مؤلفه توانمندسازی زنان از طریق اصلاحات فرهنگی با توجه به دو زیرمؤلفه استخراج شده بود.

الف. اصلاح نگرش‌ها و باورهای جنسیتی: این زیرمؤلفه باعث حذف باورهای سنتی و نابرابر، ترویج ارزش‌های برابری و عدالت و افزایش آگاهی عمومی درباره حقوق و توانمندی‌های زنان می‌شود؛

ب. خشونت‌زدایی علیه زنان از فرهنگ: این زیرمؤلفه باعث حذف هرگونه خشونت و تبعیض علیه زنان، آموزش و ترویج رفتارهای غیرخشونت‌آمیز و حمایت قانونی و اجتماعی از آنان در برابر خشونت‌های جنسیتی می‌شود. خشونت‌زدایی فرهنگی، زنان را در برابر تهدیدات و موانع اجتماعی محافظت می‌کند و به آنان اجازه می‌دهد با احساس امنیت و اعتماد به نفس بیشتر، در فرایند توسعه سیاسی پایدار

مقایسه یافته‌های تحقیق با ادبیات و پژوهش‌های مرتبط با توانمندسازی زنان در عرصه سیاسی مشخص کرد، این تحقیق در موضوعات زیر به نتایج جدیدی دست یافته است و به غنای ادبیات توانمندسازی زنان در عرصه سیاسی کمک می‌کند: توازن بین نقش‌های مادری و نقش‌های اجتماعی با زیرمؤلفه‌های توانمندسازی مادرمحور زنان، پیوندی نقش مادرانه به نقش‌های اجتماعی زنان؛ توانمندسازی روان‌شناختی زنان با زیرمؤلفه‌های رهاسازی زنان از وضعیت درماندگی آموخته شده، رهاسازی زنان از دام خویش‌سنجی یا خودزنی، توقف بازتولید ساختار مردسالارانه توسط زنان.

۴ بحث

هدف پژوهش حاضر شناسایی عوامل توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار در ایران با روش تحلیل مضمون بود. در این پژوهش پس از پیاده‌سازی متون مصاحبه‌ها، در مرحله کدگذاری به دنبال شناسایی مفاهیم و حذف موارد تکراری و هم‌پوشان، ۱۴۴ کد مفهومی استخراج (مضامین پایه) شد. سپس با کنارهم قراردادن مفاهیم مشابه

مشارکت کنند. تحقیق آیموا نشان داد، زنان نیجریه با چالش‌های فرهنگی مواجه هستند و نقش فعال دولت، در تغییر ساختارهای مانع توانمندسازی زنان، می‌تواند بخشی از مدل توانمندسازی زنان در رویکرد توسعه سیاسی پایدار باشد؛ لذا این مطالعه مرتبط و مکمل با پژوهش حاضر است (۱۴). اصلاحات فرهنگی، از طریق اصلاح نگرش‌ها و باورهای جنسیتی و خشونت‌زدایی علیه زنان، می‌تواند به توانمندسازی زنان، افزایش آگاهی عمومی درباره حقوق و توانمندی‌های آنان و حمایت قانونی و اجتماعی در برابر خشونت‌های جنسیتی کمک کند.

۲. توانمندسازی از طریق اصلاحات اجتماعی

تفسیر مؤلفه توانمندسازی زنان از طریق اصلاحات اجتماعی با توجه به سه زیرمؤلفه استخراج شده بود.

الف. جنسیت‌زدایی از فرایندهای جامعه‌پذیری: این زیرمؤلفه شامل اصلاح محتوای آموزشی و رسانه‌ای برای حذف کلیشه‌های جنسیتی و ترویج فرهنگ برابری و مشارکت برابر زنان و مردان در خانواده و جامعه است؛

ب. فراهم‌شدن بسترهای شکل‌گیری تشکلهای و نهادهای مدنی زنان: این زیرمؤلفه شامل ایجاد و تقویت سازمان‌های غیردولتی و تشکلهای زنان و حمایت از فعالیتهای این نهادها در زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و اقتصادی است. نتایج تحقیق ضیائی نشان داد، دو برنامه توسعه اجتماعی و اقتصادی در افغانستان، با ایجاد شوراهای انتخابی جامعه‌محور و تقویت مشارکت زنان، توانست به بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جوامع روستایی افغانستان کمک کند؛ بنابراین، هر دو مطالعه، بر مشارکت اجتماعی و جامعه‌محور و توانمندسازی زنان تأکید داشت و این موضوعات ارتباط مستقیمی با تحقیق حاضر دارد (۶)؛

ج. اصلاحات اجتماعی باهدف برابری جنسیتی: اصلاحات اجتماعی، از طریق جنسیت‌زدایی از فرایندهای جامعه‌پذیری و فراهم‌شدن بسترهای شکل‌گیری تشکلهای و نهادهای مدنی زنان، می‌تواند به توانمندسازی زنان و افزایش مشارکت آنان در ابعاد مختلف زندگی اجتماعی و سیاسی و اقتصادی کمک کند.

۳. توانمندسازی از طریق اصلاحات سیاسی

تفسیر مؤلفه توانمندسازی زنان از طریق اصلاحات سیاسی با توجه به چهار زیرمؤلفه استخراج شده بود.

الف. اصلاحات سیاسی باهدف برابری: این زیرمؤلفه شامل تصویب قوانین ضد تبعیض، اصلاح قوانین و سیاست‌های دولتی برای افزایش برابری جنسیتی و تقویت نهادهای ناظر بر اجرای قوانین برابری است که موجب بهبود وضعیت قانونی و اجتماعی زنان و ایجاد فرصت‌های برابر برای مشارکت آنان در عرصه‌های سیاسی می‌شود؛

ب. واقعی‌سازی مشارکت اجتماعی سیاسی زنان: این زیرمؤلفه شامل تسهیل و افزایش مشارکت آنان در انتخابات و فرایندهای سیاسی، ایجاد زمینه‌های مناسب برای حضور زنان در مناصب تصمیم‌گیری و اتخاذ سیاست‌های حمایتی برای افزایش مشارکت آنها در نهادهای اجتماعی سیاسی است که زمینه را برای افزایش مشارکت سیاسی زنان و تأثیرگذاری آنان در توسعه پایدار فراهم می‌کند؛

ج. تقویت کنشگری سیاسی زنان: این زیرمؤلفه شامل ایجاد آموزش و توانمندسازی سیاسی برای زنان، تشویق و حمایت از فعالیتهای سیاسی و مدنی آنها و ایجاد بسترهای ارتباطی و همکاری بین زنان فعال در عرصه‌های سیاسی است که موجب افزایش آگاهی و مهارت‌های سیاسی و فعالیتهای آنان در سطوح مختلف می‌شود؛

د. حکمرانی خوب: این زیرمؤلفه شامل شفافیت و پاسخ‌گویی در نظام‌های سیاسی و اداری، مشارکت و نظارت عمومی، به‌ویژه مشارکت زنان در تصمیم‌گیری‌ها و اثربخشی و کارآمدی نهادهای سیاسی و اجرایی است که زمینه را برای افزایش مشارکت و تأثیرگذاری آنها در تصمیم‌گیری‌های سیاسی فراهم می‌کند. تحقیق باقری و همکاران به ابعاد مختلف توانمندسازی زنان از جمله اقتصادی و اجتماعی و سیاسی پرداخت (۱۵) که با پژوهش حاضر در حوزه توانمندسازی زنان، به‌ویژه در زمینه سیاسی، ارتباط و همبستگی دارد. همچنین نتایج تحقیق ضیائی که بر تقویت حکمرانی محلی و توانمندسازی زنان تأکید داشت (۶)، دارای ارتباط مستقیمی با پژوهش حاضر است؛ بنابراین اصلاحات سیاسی، از طریق برابری، واقعی‌سازی مشارکت اجتماعی سیاسی، تقویت کنشگری سیاسی زنان و حکمرانی خوب، می‌تواند به توانمندسازی زنان و افزایش مشارکت و تأثیرگذاری آنان در تصمیم‌گیری‌های سیاسی و توسعه پایدار کمک کند.

۴. توانمندسازی از طریق اصلاحات کسب‌وکار

تفسیر مؤلفه توانمندسازی زنان از طریق اصلاحات کسب‌وکار، با توجه به سه زیرمؤلفه استخراج شده بود.

الف. شکستن تابوهای جنسیتی در اشتغال زنان: این زیرمؤلفه شامل حذف موانع و تبعیضات جنسیتی در استخدام و ارتقای شغلی زنان، ترویج و ایجاد فرصت‌های شغلی برابر برای آنها در همه حوزه‌ها و حمایت از کارآفرینی و مشاغل زنان است. این اصلاحات در کسب‌وکار، به آنان امکان می‌دهد مستقل و با اعتمادبه‌نفس بیشتر وارد فعالیتهای اقتصادی شوند و نقش مؤثرتری در توسعه پایدار داشته باشند؛

ب. تغییر نگاه جنسیت‌محور به شایستگی: این زیرمؤلفه شامل ارزیابی و استخدام افراد براساس توانایی‌ها و شایستگی‌های فردی، حذف تبعیضات جنسیتی و نگرش‌های سنتی در محیط‌های کاری و پیشرفت شغلی زنان براساس معیارهای عادلانه و صلاحیت‌های فردی است. این نگاه به شایستگی، فرصت برابر در اشتغال و ارتقای شغلی به زنان می‌دهد و به آنها اعتمادبه‌نفس بیشتری برای مشارکت در عرصه‌های سیاسی و تصمیم‌گیری می‌بخشد؛

ج. شکستن سقف شیشه‌ای برای زنان: این زیرمؤلفه شامل ایجاد فرصت‌های برابر برای زنان در مدیریت‌های ارشد و حضور در سطوح بالای تصمیم‌گیری، حذف موانع پنهان و ناملموس در مسیر ارتقای شغلی زنان و حمایت و تسهیل شرایط حضور زنان در پست‌های مدیریتی و رهبری است. شکستن سقف شیشه‌ای، زنان را قادر می‌سازد در مراکز قدرت و تصمیم‌گیری حضور یابند و نقش برجسته‌تری در توسعه سیاسی پایدار ایفا کنند. آریانا و همکاران به این نتیجه رسیدند که با توجه به رشد درخورتوجه در سطح تحصیلات و اشتغال زنان در ایران، توانمندسازی آنان به رشد و توسعه اقتصادی کمک می‌کند (۱).

اصلاحات کسب و کار، از طریق شکستن تابوهای جنسیتی در اشتغال، تغییر نگاه به شایستگی و شکستن سقف شیشه‌ای، می‌تواند به توانمندسازی زنان و مشارکت آن‌ها در توسعه اقتصادی و سیاسی کمک کند.

۵. توانمندسازی از طریق قوانین و مقررات

تفسیر مؤلفه توانمندسازی زنان از طریق قوانین و مقررات با توجه به دو زیرمؤلفه استخراج شده بود.

الف. اصلاح قوانین و مقررات باهدف قدرت‌دهی به زنان: این زیرمؤلفه شامل حذف تبعیض جنسیتی در قوانین، افزایش مشارکت و نمایندگی سیاسی آنان، بهبود دسترسی به منابع، آموزش و فرصت‌های شغلی است؛

ب. تدوین قوانین حمایتگر: این زیرمؤلفه شامل قوانین و مقررات حمایت از حقوق زنان و خانواده، قوانین مربوط به مرخصی زایمان، مراقبت از کودکان و سالمندان، قوانین منع خشونت علیه زنان و تضمین امنیت و آزادی آن‌ها است. تحقیق صدیقی و عامری نشان داد، در کشور ایران محقق‌نشدن مشارکت سیاسی کامل زنان، موانعی فراتر از قانون و سیاست‌گذاری‌ها دارد (۴)؛ لذا از این نظر با پژوهش حاضر همسوست. اصلاح قوانین و مقررات باهدف قدرت‌دهی به زنان و تدوین قوانین حمایتگر از حقوق زنان و خانواده، همراه با توانمندسازی روان‌شناختی زنان از طریق رهاسازی از وضعیت درماندگی آموخته‌شده، رهاسازی از دام خویش‌ستیزی و توقف بازتولید ساختار مردسالارانه، می‌تواند به توسعه سیاسی پایدار و تساوی جنسیتی کمک کند.

۶. توازن بین نقش‌های مادری و نقش‌های اجتماعی

تفسیر مؤلفه توازن بین نقش‌های مادری و نقش‌های اجتماعی زنان، با توجه به دو زیرمؤلفه استخراج شده بود.

الف. توانمندسازی مادر محور زنان: زمانی که زنان در نقش مادری خود توانمند و مستقل باشند، این اعتماد به نفس و استقلال به سایر نقش‌های اجتماعی آنان نیز سرایت می‌کند. این امر به افزایش مشارکت و نفوذ سیاسی آن‌ها کمک خواهد کرد؛

ب. پیونددهی نقش مادرانه به نقش‌های اجتماعی: زمانی که زنان قادر باشند مهارت‌ها و ویژگی‌های مادرانه خود را به عرصه‌های اجتماعی و سیاسی انتقال دهند، این امر به ایجاد رویکردهای جدید و خلاقانه در سیاست‌گذاری و حکمرانی منجر می‌شود؛ مانند مهارت‌های مراقبتی، همدلی و تعامل‌گرایی. توازن و پیوند بین نقش‌های مادری و اجتماعی زنان، نقش کلیدی در افزایش مشارکت و توانمندی و پایداری آن‌ها در عرصه سیاسی خواهد داشت. توازن بین نقش‌های مادری و نقش‌های اجتماعی از متغیرهای جدیدی به‌شمار می‌رود که به غنای ادبیات در حوزه توانمندسازی زنان افزوده است. توانمندسازی زنان در نقش‌های مادری و ارتباط دادن ویژگی‌های مادرانه به نقش‌های اجتماعی، می‌تواند به افزایش اعتماد به نفس و استقلال و تأثیرگذاری سیاسی آن‌ها منجر شود و رویکردهای نوآورانه در حکمرانی و سیاست‌گذاری را ترویج دهد. این تعادل و ارتباط نقش‌های مادری و اجتماعی نقش کلیدی در افزایش مشارکت و توانمندی و پایداری زنان در فضای سیاسی دارد.

۷. توانمندسازی روان‌شناختی زنان

توانمندسازی روان‌شناختی زنان می‌تواند به شکل مؤثری بر توسعه

سیاسی پایدار تأثیر بگذارد. تفسیر مؤلفه توانمندسازی روان‌شناختی با توجه به سه زیرمؤلفه استخراج شده بود.

الف. رهاسازی زنان از وضعیت درماندگی آموخته‌شده: با شناسایی و درک عوامل اجتماعی فرهنگی که باعث ایجاد احساس درماندگی در زنان می‌شود و کمک به آن‌ها برای غلبه بر این وضعیت، آنان قادر خواهند بود به صورت فعال‌تری در عرصه‌های سیاسی مشارکت کنند؛

ب. رهاسازی زنان از دام خویش‌ستیزی یا خودزنی: توانمندسازی روان‌شناختی به زنان کمک می‌کند از باورها و نگرش‌های منفی به خود رها شوند و اعتماد به نفس و خودشناسی بیشتری پیدا کنند. این امر زمینه را برای مشارکت فعال‌تر آنان در فرایندهای سیاسی فراهم می‌آورد؛

ج. توقف بازتولید ساختار مردسالارانه توسط زنان: توانمندسازی روان‌شناختی زنان به آن‌ها کمک می‌کند از الگوهای رفتاری و باورهای مردسالارانه رهایی یابند و به‌عنوان بازیگران مستقل و مؤثر در عرصه سیاسی ظاهر شوند. این امر منجر به تغییر تدریجی ساختارهای سیاسی به سمت تساوی جنسیتی می‌شود. توانمندسازی روان‌شناختی زنان با تأثیر بر ابعاد مختلف هویت و باورهای زنان، می‌تواند به‌عنوان عاملی مهم در جهت دستیابی به توسعه سیاسی پایدار عمل کند. کرمانی و همکاران اظهار داشتند، برای تقویت پیوندهای زنان با یکدیگر، به راهنمایی و ایجاد شبکه با سایر زنان نیاز است. زنان باید به صورت فعال اشتغال هم‌جنس خود را برای فرصت‌های شغلی تبلیغ کنند (۱۶).

یافته پژوهش حاضر در مقوله توانمندسازی روان‌شناختی زنان، بر رهاسازی زنان از خویش‌ستیزی تأکید داشت. خلیلی، مشارکت زنان در فعالیت‌های سیاسی و اقتصادی را جزو عوامل کمک‌کننده به توانمندسازی روان‌شناختی زنان دانست (۱۰). نتایج تحقیق حاضر نیز روابط بین این متغیرها را تأیید کرد. توانمندسازی روان‌شناختی زنان از طریق رهاسازی از درماندگی آموخته‌شده، رهایی از خویش‌ستیزی و توقف بازتولید ساختار مردسالارانه، می‌تواند به توسعه سیاسی پایدار و تساوی جنسیتی کمک کند.

۸. ظهور جامعه متوازن و منسجم

تفسیر مؤلفه ظهور جامعه متوازن و متعادل، با توجه به پنج زیرمؤلفه استخراج شده بود.

الف. بهبود آرامش روانی جامعه: این زیرمؤلفه شامل ایجاد محیطی امن و حمایت‌کننده برای حضور و مشارکت زنان در حوزه‌های اجتماعی و سیاسی، کاهش تنش‌های اجتماعی که امکان دارد مانع فعالیت آنان شود و افزایش اعتماد و امنیت روانی برای ایفای نقش فعال در جامعه است؛

ب. تقویت انسجام اجتماعی زنان: این زیرمؤلفه شامل ایجاد پیوندهای اجتماعی قوی میان زنان از طریق شبکه‌سازی و تعاملات مثبت، تقویت هویت جمعی و حس تعلق اجتماعی در بین آنان و ایجاد همبستگی و همیاری میان زنان برای مشارکت اثربخش در عرصه‌های سیاسی است؛ ج. افزایش سرمایه اجتماعی: این زیرمؤلفه شامل توسعه اعتماد، همکاری و مشارکت میان زنان و سایر اعضای جامعه، بهبود ظرفیت‌های جمعی زنان برای تحقق اهداف مشترک و توسعه پایدار و ایجاد بستر مناسب برای بسیج منابع و امکانات به‌منظور توانمندسازی آنان است؛

د. نقش‌آفرینی اجتماعی فراگیر زنان: این زیرمؤلفه شامل ایجاد فرصت‌های برابر و عادلانه برای حضور و مشارکت در عرصه‌های اجتماعی و توسعه قابلیت‌های آنان، ارتقای جایگاه آن‌ها در نهادهای اجتماعی و سیاسی، زمینه‌سازی برای ایفای نقش سیاسی فعال و تأثیرگذار توسط آن‌ها و تأثیر مثبت جامعه متوازن و منسجم بر توانمندسازی زنان است. تحقیق ابطحی نشان داد، توانمندسازی زنان در مشارکت سیاسی منجر به تقویت ساختار تصمیم‌گیری ملی و تقویت دموکراسی و حکمرانی می‌شود (۸). این نتیجه با یافته پژوهش حاضر مبنی بر ظهور جامعه متوازن همسوست. ظهور جامعه متوازن و منسجم از طریق بهبود آرامش روانی، تقویت انسجام اجتماعی، افزایش سرمایه اجتماعی و نقش‌آفرینی اجتماعی فراگیر زنان، می‌تواند به توانمندسازی زنان و تأثیر مثبت بر جامعه کمک کند.

۹. توانمندسازی از طریق آموزش

تفسیر مؤلفه توانمندسازی زنان از طریق آموزش با توجه به سه زیرمؤلفه استخراج شده بود.

الف. آگاهی‌بخشی نسبت به جایگاه اجتماعی زنان: ارتقای آگاهی و شناخت زنان از حقوق و جایگاه اجتماعی خود، منجر به افزایش اعتماد به نفس و مطالبه‌گری آن‌ها می‌شود. این امر زمینه را برای کاهش تبعیضات و نابرابری‌های جنسیتی فراهم می‌آورد؛

ب. تقویت آموزش‌های خانواده‌محور: آموزش و توانمندسازی زنان در محیط خانواده، سبب ارتقای جایگاه آنان در خانواده و افزایش نقش‌آفرینی ایشان می‌شود. این موضوع، بر کیفیت تربیت فرزندان و انتقال ارزش‌های برابری طلبانه به آن‌ها تأثیرگذار است؛

ج. تقویت آموزش‌های مدرسه‌محور: حضور فعال دختران در نهادهای آموزشی و ارتقای کیفیت آموزش آنان، موجب افزایش سطح تحصیلات و مهارت‌های آن‌ها می‌شود. این امر، زمینه را برای مشارکت بیشتر زنان در بازار کار و حوزه‌های اجتماعی فراهم می‌آورد. لیاقتی و همکاران دریافته‌اند، آموزش و پرورش نقش اساسی در تغییر نگرش و رفتار انسانی، توسعه اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، فراهم کردن فرصت‌های شغلی و افزایش تولید در جامعه دارد. آموزش و پرورش باید به تحصیلات رسمی محدود نشود؛ بلکه همه انواع آموزش، حتی شکل‌های سنتی یادگیری در منزل و جامعه نیز باید مدنظر قرار گیرد (۱۷). این تحقیق از این لحاظ با پژوهش حاضر همسوست. تحقیق شوچن و همکاران، بر آموزش و توسعه مهارت‌ها و افزایش دانش حرفه‌ای و فنی زنان به منظور توانمندسازی زنان تأکید داشت (۱۸).

این اقدامات آموزشی می‌تواند به کاهش تبعیضات و نابرابری‌های جنسیتی، بهبود کیفیت تربیت فرزندان، ارتقای سطح تحصیلات و مهارت‌های زنان و افزایش مشارکت آنان در بازار کار و حوزه‌های اجتماعی کمک کند. تحقیقات نشان داد، آموزش و پرورش نقش اساسی در تغییر نگرش و رفتار انسانی، توسعه اقتصادی، بهبود کیفیت زندگی، ایجاد دانش و مهارت، فراهم کردن فرصت‌های شغلی و افزایش تولید در جامعه دارد.

۱۰. توانمندسازی اقتصادی

تفسیر مؤلفه توانمندسازی اقتصادی زنان با توجه به دو زیرمؤلفه

استخراج شده بود.

الف. حمایت‌های اقتصادی (حمایت از کارآفرینی زنان): این زیرمؤلفه شامل ارائه تسهیلات مالی و اعتباری مانند وام، یارانه، معافیت‌های مالیاتی و...، ایجاد زیرساخت‌های لازم برای توسعه کسب‌وکارهای آنان از طریق آموزش، مشاوره، فضای کار مناسب و... و تسهیل دسترسی آن‌ها به بازارها و فرصت‌های کسب‌وکار است. این حمایت‌های اقتصادی باعث افزایش استقلال مالی و توانایی کسب درآمد زنان می‌شود و در نتیجه، موقعیت اجتماعی و نفوذ سیاسی آنان را در جامعه بهبود می‌بخشد؛

ب. توان‌افزایی اقتصادی- مالی زنان کارآفرین: این زیرمؤلفه شامل ارتقای مهارت‌های مدیریتی و کارآفرینی زنان، افزایش آگاهی از فرصت‌های اقتصادی و چگونگی دستیابی به آن‌ها و تقویت اعتماد به نفس و استقلال تصمیم‌گیری اقتصادی آنان است. در این ارتباط ساری و همکاران بیان کردند، توانمندسازی اقتصادی منجر به افزایش اختیارات زنان، دسترسی به برنامه‌های رسمی دولت، فعالیت خارج از خانه، استقلال اقتصادی و قدرت خرید می‌شود (۹). توانمندسازی اقتصادی زنان از طریق حمایت‌های اقتصادی و توان‌افزایی مالی، باعث افزایش استقلال مالی و توانایی کسب درآمد زنان خواهد شد. این اقدامات می‌تواند بهبود موقعیت اجتماعی و نفوذ سیاسی زنان در جامعه را فراهم کند.

۱۱. توانمندسازی از طریق تقویت عزت نفس اجتماعی زنان

تفسیر مؤلفه تقویت عزت نفس اجتماعی زنان با توجه به دو زیرمؤلفه استخراج شده بود.

الف. صدادهی رسانه‌ای به زنان: این زیرمؤلفه شامل ارائه تصویر مثبت و واقعی از زنان در رسانه‌ها، ایجاد فضای گفتگویی برای حضور سیاسی آنان، به چالش کشیدن نمایش‌های جنسیتی و کلیشه‌های موجود درباره نقش زنان در جامعه و فراهم کردن فرصت‌های برابر برای آنان در عرصه‌های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی است.

ب. کمک به خودشکوفایی زنان: این زیرمؤلفه شامل تقویت اعتماد به نفس و احساس توانمندی آنان، ایجاد فرصت‌هایی برای رشد و بالندگی فردی و اجتماعی زنان و کمک به آن‌ها برای شناخت ظرفیت‌ها و استعدادهای خود و بهره‌گیری از آن‌ها است. این دو مؤلفه به طور مستقیم با توانمندسازی سیاسی زنان در ارتباط است؛ زیرا با تقویت عزت نفس اجتماعی آنان، زمینه را برای مشارکت فعال‌تر و مؤثرتر آن‌ها در فرایندهای سیاسی فراهم می‌شود. این متغیر از مضامین شناسایی شده در پژوهش حاضر بود؛ برای نمونه در مصاحبه‌ها بیان شد، یکی از ابعاد مهم عزت نفس زنان به دوران کودکی بازمی‌گردد که باید جرئت‌ورزی و مطالبه‌گری را از کودکی به دختران به صورت نامحسوس آموزش داد تا در آینده بهره‌وری از آن صورت گیرد؛ زیرا عزت نفس اجتماعی زنان، مشارکت آن‌ها را در فرایندهای سیاسی و تصمیم‌گیری‌های کلان افزایش می‌دهد و منجر به تقویت نمایندگی سیاسی زنان و در نتیجه، افزایش پایداری توسعه سیاسی می‌شود. تقویت عزت نفس اجتماعی زنان از طریق صدادهی رسانه‌ای و کمک به خودشکوفایی، می‌تواند زمینه‌ای برای مشارکت فعال‌تر و مؤثرتر زنان در فرایندهای سیاسی فراهم کند.

۱۲. توانمندسازی جسمی و روحی زنان

تفسیر توانمندسازی جسمی و روحی زنان باتوجه به دو زیرمؤلفه استخراج شده بود.

الف. توسعه و رفع موانع تربیت بدنی زنان: این زیرمؤلفه شامل ایجاد فضاها و امکانات ورزشی مناسب برای آنها، رفع محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی برای مشارکت آنان و حمایت از زنان ورزشکار و تقویت نقش آنها در عرصه‌های ملی و بین‌المللی است؛

ب. افزایش زیرساخت‌های بهداشتی و درمان: این زیرمؤلفه شامل گسترش دسترسی زنان به خدمات بهداشتی و درمانی باکیفیت، توجه به سلامت جسمی و روانی آنان و ارائه خدمات پیشگیرانه و درمانی، آموزش زنان در زمینه مراقبت‌های بهداشتی و سلامت و حمایت از آنها درخصوص بهداشت باروری و تأمین نیازهای این حوزه است. خلیلی، تضمین سلامت جسمی و بهداشتی زنان، امنیت فیزیکی آنان و دسترسی به خدمات بهداشتی و درمانی را تحت عنوان توانمندسازی جسمی قرار داد و آن را یکی از زیرمقوله‌های توانمندسازی زنان برشمرد (۱۰).

توانمندسازی جسمی و روحی زنان از طریق توسعه تربیت بدنی و افزایش زیرساخت‌های بهداشتی و درمانی، می‌تواند به بهبود سلامت و نقش‌آفرینی زنان در عرصه‌های مختلف از جمله ورزش و بهداشت، کمک کند.

۱۳. توانمندسازی مبتنی بر آموزه‌های دینی

تفسیر مؤلفه توانمندسازی زنان مبتنی بر آموزه‌های دینی باتوجه به دو زیرمؤلفه استخراج شده بود.

الف. تقویت فضای دینی مقاوم به کشمگری زنان: تقویت فضای دینی برای زنان شامل ایجاد محیط‌های دینی برای مشارکت آنان در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی، تقویت جایگاه آنها در نهادهای دینی و رفع موانع فرهنگی و سنتی برای تحقق این هدف، می‌تواند کمک‌کننده باشد؛

ب. استفاده از ظرفیت‌های دین: استفاده از ظرفیت‌های دین برای ارتقای اعتمادبه‌نفس و توانمندی زنان و الهام‌بخشی از نقش‌آفرینی آنان در عرصه‌های تاریخی و دینی برای ترویج مشارکت زنان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی اهمیت بسیار دارد. تحقیق گلستانی سروانی و حمزه‌ای به‌منظور خوشه‌بندی ابعاد توانمندسازی با روش میک‌مک نشان داد، توانمندی دینی بیشترین نفوذ را دارد (۱۹) و از این نظر با پژوهش حاضر همسوست. توانمندسازی زنان مبتنی بر آموزه‌های دینی از طریق تقویت فضای دینی به‌منظور مشارکت زنان در امور اجتماعی و سیاسی و استفاده از ظرفیت‌های دینی برای ارتقای اعتمادبه‌نفس و توانمندی زنان، می‌تواند به ترویج مشارکت زنان در حوزه‌های سیاسی و اجتماعی کمک کند.

۵ نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر شناسایی عوامل توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار در ایران، به سیزده مؤلفه مهم در حوزه توانمندسازی زنان دست یافت. نتایج این پژوهش، دستیابی به شبکه مضامین و شناسایی عوامل توانمندسازی زنان در توسعه سیاسی پایدار

بود. تحقیق نشان داد، توانمندسازی زنان از طریق مضامین شناسایی شده و به‌کارگیری آنها در سیاست‌گذاری و خط‌مشی‌گذاری‌های کلان می‌تواند بهبود وضعیت زنان در جامعه و تحقق توسعه سیاسی پایدار را تسهیل کند. مقایسه یافته‌های پژوهش حاضر با ادبیات و پژوهش‌های مرتبط با توانمندسازی زنان در عرصه سیاسی مشخص کرد، این تحقیق در موضوعات زیر به نتایج نو دست یافته است و در نتیجه به غنای ادبیات توانمندسازی زنان در عرصه سیاسی کمک می‌کند: توازن بین نقش‌های مادری و نقش‌های اجتماعی شامل زیرمؤلفه‌های توانمندسازی مادرمحور زنان، پیونددهی نقش مادرانه به نقش‌های اجتماعی؛ توانمندسازی روان‌شناختی زنان شامل زیرمؤلفه‌های رهاسازی زنان از وضعیت درماندگی آموخته‌شده، رهاسازی زنان از دام خویش‌سستی یا خودزنی، توقف بازتولید ساختارهای مردسالارانه توسط زنان.

نتایج تحقیق نشان داد، توانمندسازی زنان با رویکرد توسعه سیاسی پایدار، نیاز به تغییرات در باورها، ارزش‌ها، سنت‌ها و رفتارهای فرهنگی دارد. این امر از طریق آموزش و نیز نهادینه‌سازی آموزه‌های دینی حمایتگر، دست‌یافتنی است؛ بنابراین ایجاد تحول در نظام‌های آموزشی رسمی و غیررسمی در جهت توانمندسازی زنان، ضرورتی برای این منظور است. در کنار آن نیاز است آموزه‌های ناب دینی از منظر حق زیست‌فرهنگی اجتماعی برابر برای مردان و زنان، پررنگ‌تر و صدای آنها رساتر شود تا از این طریق راه بر اصلاحات فرهنگی گشوده‌تر و به‌دنبال آن محیط سیاسی نیز متوازن شود.

۶ تشکر و قدردانی

پژوهشگران بر خود لازم می‌دانند از همه خبرنگاران محترم شرکت‌کننده در پژوهش که از نظرات ارزشمند آنها در پژوهش استفاده شد، تشکر و قدردانی کنند.

۷ بیانیه‌ها

رضایت برای انتشار

این امر غیرقابل اجرا است.

در دسترس بودن داده‌ها و مواد

داده‌های پشتیبان نتایج گزارش شده در مقاله که در طول مطالعه تحلیل شدند، به‌صورت فایل ورودی داده در نزد نویسنده مسئول خواهد بود.

تضاد منافع

این مقاله برگرفته از رساله دکتری دانشگاه آزاد واحد اصفهان است. برای نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

منابع مالی

اعتبار برای مطالعه گزارش شده از منابع شخصی تأمین شده است.

مشارکت نویسندگان

نویسنده اول، دانشجو، مسئول جمع‌آوری داده‌ها و نوشتن مقدمه و بحث در مقاله بود. نویسنده دوم مسئولیت مقاله را برعهده داشت و استاد راهنما و طراح و ایده‌پرداز در مقاله بود. نویسندگان سوم و چهارم به‌عنوان استاد راهنمای دوم و استاد مشاور در تحلیل روش مقاله نقش داشتند. همه نویسندگان مقاله را خواندند و تأیید کردند.

References

1. Ariana A, Dastyar Z, Tavasoli A. Entrepreneur women's role in the development and evolution of the country (case study: Hormozgan province). *Karafan Scientific Journal*. 2020;16(2):101–20. [Persian] https://karafan.tvu.ac.ir/article_105315.html?lang=en
2. Baden S. Women's collective action in African agricultural markets: the limits of current development practice for rural women's empowerment. *Gender & Development*. 2013;21(2):295–311. <https://doi.org/10.1080/13552074.2013.802882>
3. Narayana A, Ahmad T. 2016. Role of media in accelerating women empowerment. *International Journal of Advanced Education and Research*. 2016;1:17–20.
4. Sadighi B, Ameri P. The role of women's political participation in the process of sustainable development (in the three governments: reformist, Fundamentalist and moderate). *Social Research*. 2016;8(33):85–108. [Persian] <https://sanad.iau.ir/en/Article/1111279>
5. Gholabi F, Hajiloo F. Sociological review of political participation rate of women and some of social factors affecting it (case study in Eastern Azerbaijan province). *Quarterly of Social Studies and Research in Iran*. 2012;1(1):173–200. [Persian] https://jsr.ut.ac.ir/article_36552.html?lang=en
6. Ziaey AJ. Applying community-driven approaches to rural development and women's empowerment in Afghanistan. *Policy Perspectives*. 2021;28:1–15. <https://doi.org/10.4079/pp.v28i0.9>
7. Quisumbing A, Sproule K, Martinez E, Malapit HJ. Women's empowerment in agriculture and nutritional outcomes: evidence from six countries in Africa and Asia. *International Food Policy Research Institute*. 2020:1–70.
8. Abtahi SS. Women's empowerment and political participation in Iran "case study: Islamic Republic period". *Politics Quarterly*. 2014;2(7):65–82. [Persian]
9. Sari SRMIP, Akbar M, Yassin M. 2018. Learning culture, empowerment, cyber skill competence and self-engagement. *International Journal of Scientific Research and Management*. 2018;6(3):1–8. <https://doi.org/10.18535/ijstrm/v6i3.em06>
10. Khalili E. Economic empowerment of women. In: *The Third International Conference on Economics, Management, Accounting with A Value Creation Approach* [Internet]. Shiraz; 2015. [Persian]
11. Ranjbar H, Haghdoost AA, Salsali M, Khoshdel A, Soleimani M, Bahrami N. Sampling in qualitative research: a guide for beginning. *J Army Univ Med Sci*. 2012;10(3):238–50. [Persian]
12. Guba EG, Lincoln YS. *Fourth generation evaluation*. Newbury Park, CA: Sage; 1989.
13. Attride-Stirling J. Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative Research*. 2001;1(3):385–405. <https://doi.org/10.1177/146879410100100307>
14. Aimua EP. Education, women empowerment and national development in Nigeria. *Asian Research Journal of Arts & Social Sciences*. 2021;14(2):14–21. <https://doi.org/10.9734/arjass/2021/v14i230232>
15. Bagheri M, Mirdamadi SM, Hosseini SJ, Lashgarara F. 2019. Investigating the effective components of participation in the decision making of the staff of tehran green space research, training and consulting centers in development of sustainable urban green space. *Agricultural Extension and Education Research*. 2020;13(3):1–14. [Persian] <https://sanad.iau.ir/en/Article/825534>
16. Kermani M, Noghani Dokht Bahmani M, Baradarankashani Z. A qualitative meta-analysis of two decades of research on the empowerment of rural and urban women in Iran. *Women's Studies Sociological and Psychological*. 2018;16(2):33–54. [Persian] https://jwsps.alzahra.ac.ir/article_3656.html?lang=en
17. Liaghati H, Yazdi M, Mobarghaee Dinan N. Analytical investigation of environmental higher education status in Iran. *Environmental Education and Sustainable Development*. 2017;5(4):63–75. [Persian] https://ee.journals.pnu.ac.ir/article_4028.html?lang=en
18. Shuqin C, Minyan L, Hongwei T, Xiaoyu L, Jian G. Assessing sustainability on Chinese university campuses: Development of a campus sustainability evaluation system and its application with a case study. *Journal of Building Engineering*. 2019;24:100747. <https://doi.org/10.1016/j.jobee.2019.100747>
19. Golestani Sarvani M, Hamzaei M. Designing a pattern of empowering women in order to achieve sustainable development in a structural-interpretive way. In: *The First National Conference on Women, Urban Regeneration and Sustainable Development* [Internet]. Tehran; 2016. [Persian]